



فاجعه های خونین هفت و هشت ثور در حافظه تاریخی مردم افغانستان

ته چی بل په غیشو ولی هسی پوه شه

چی همدا غیشی به ستا په لور گوزار شی

"رحمان بابا"

کودتای منحوس و فاجعه بار روسی هفت ثور ۱۳۵۷ در کشور ما، در پیامد انحراف رویزیونیستی در شالوده فکری حزب و دولت «اتحاد جماهر شوروی» و تغییر ماهیت آن به سوسیال امپریالیسم و اتخاذ سیاست اقتصادی معطوف به سود جوئی و به موازات آن، گرایش به سیاست اشغالگرانه «گشایش بسوی شرق» در اواسط دهه پنجاه میلادی با انعقاد قرارداد های هستی برانداز و اسارت آور اقتصادی با دولت آن وقت افغانستان و تأمین قروض کمر شکن، با تمهیدات ایدئولوژیک، سیاسی، نظامی و استخباراتی؛ در تیره روز هفتم ثور ۱۳۵۷ شمسی به پایه اکمال رسیده و در فردای آن مشتی از اراذل میهن فروش "خلقی - پرچی" به ازای خیانت ملی و تاریخی، تاج خون آلود بردگی سوسیال امپریالیسم را بر سر نهادند.

توحش لجام گسیخته کودتاگران ثوری از یک طرف و ودیعت آزادیخواهی در نهاد مردم سلحشور و جانباز ما که ارثیه غرورآفرین تاریخ شورانگیز کشور ما شناخته می شود، از جانب دیگر، برانگیزنده قیام های خود انگیخته در سرتاسر افغانستان گردید. در مقابله با این خیزش های توفان آسا و تداوم و تکامل آن پروسه خونین و اسارتبار، اشغال نظامی بی شرمانه کشور عزیز ما توسط سوسیال فاشیسم شوروی، هستی و حیات قاطبه خلق ما را به خطر نابودی مواجه نمود و در سایه سیاست متخذه «زمین های سوخته» همه داشته های مادی و معنوی ما را تا مرز نیستی کامل رسانید. یک دهه جنگ نابرابر و پرهزینه مقاومت ضد روسی، مردم ما را ناگزیر به پرداخت قربانی بی همتا و تقبل رنج و حرمان بیکران نمود.

در واقع تمام ویرانی ها، کشتار ها، شکنجه ها، آوارگی ها و مصائب دردناک و اندوهبار به وقوع پیوسته از فاجعه هفت ثور ۱۳۵۷ تاکنون، طوق لعنتی است برگردن روس اشغالگر و غلامان حلقه به گوش آن (خلق و پرچم) و به مثابه لکه ننگینی است بر جبین آنان. هیچ گونه تقلای سالوسانه و مذبحخانه ابداً نمی تواند خاطره تلخ و غم انگیز آن دوره منحوس و تاریک و آن جنایات هولناک را از ذهن و حافظه تاریخی مردم داغیده افغانستان بزدايد.

همچنان کودتای هفت ثور و "مرحله تکاملی آن"، فئودالیسم ضربت خورده و نمایندگان سیاسی آن را که از موضع سرمایه کمپرادوری بوروکراتیک روسی ضربت خورده بود، دو باره جان تازه بخشیده و به امید احیای فئودالیسم و به دست آوردن بهشت از دست رفته، با یک برنامه مشترک ارتجاعی - استعماری به صحنه باز گرداند.

این نیروی تاریخ زده و محکوم به مرگ، با دمسازی با امپریالیسم و ارتجاع منطقه و با استفاده از امکانات مغتتم، مانع تکامل پیروزمند جنبش آزادیبخش خود به خودی خلق ما در راستای تحقق اهداف ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی گردیده و آن را در اوج جنگ سرد بین دو بلوک امپریالیستی، با اهداف امپریالیسم جهانی و ارتجاع کشور و منطقه پیوند زد. شکست مفتضحانه سوسیال امپریالیسم متجاوز و اشغالگر شوروی و متعاقب آن فروهستن تاج و اورنگ بردگی آخرین برده آن در تخت کابل، پدیده و روند ننگین و اسارت بار "هفت ثوری" با روند منحوس دیگری به نام "هشت ثوری" در تاریخ کشور ما پیوند خورد. این پروسه هشت ثوری که با تسلط بلامنازع حاکمیت قهار و ویرانگر ارتجاع فئودالی، با اهداف استیلاء جویانه و سلطه گرانه ارتجاع آزمند منطقه و امپریالیسم، جنگ های بربادگرانه قدرت و اوج مداخلات بیگانگان در کشور ما مشخص می شود، در پیامد اسارتبار خود منجر به اشغال کشور ما توسط امپریالیسم امریکا و شرکای امپریالیستی و ارتجاعی اش گردید.

مخالفت و مقاومت - به اشکال گوناگون - مردم آزاده و سلحشور ما در برابر اشغالگران و مخالفت صریح مردم و انقلابیون جهان (به ویژه مردم امریکا) با تداوم اشغال و جنگ در افغانستان و همچنان وقوع تحولات حساب ناشده خاور میانه، بطلان تصور خام، خوش بینانه و نابخردانه اشغالگران برای اشغال بی درد سر کشور ما را به نمایش گذاشت.

اکنون به نسبت عوامل متعدد بازدارنده تداوم جنگ در کشور ما و گیر کردن در بحران مالی و اقتصادی "سرمایه جهانی"، افغانستان بنا به اعتراف "گورباچف" برای امپریالیسم امریکا «زخم خون چکانی» است که درمان آن در ید قدرت سردمدار امپریالیسم جهانی نیست. پر واضح است که اعلام خروج نیرو های وحشی و اشغالگر ناتو از سر مرحمت و بودا صفتی نبوده، بلکه اقدامی است ناگزیر و اجتناب ناپذیر و از سر ضعف و درماندگی.

امپریالیست های اشغالگر کشور ما و به خصوص امپریالیسم امریکا پس از یک دهه تلاش ناکام برای تحمیل یوغ امپریالیستی شان بر گردن خلق ما و تقویت و بسیج ارتجاع کشور ما در دو محور متخاصم قومی - زبانی، ولی ظاهراً در زیر یک چتر، و ضمن پیشبرد جنگ و صلح با طالبان؛ اینک از در استیصال، در گام اول تطبیق ستراتیژی اولی اش، توحید نیرو های ارتجاعی را در برنامه کاری خود دارد. سرو صدای سازش و تفاهم با طالبان (گرچه مضمون این سازش و تفاهم تاکنون نیز از پرده بیرون نیافتاده و در هاله ای از ابهام قرار دارد) به علت نامعلومی، گویا به نتیجه نرسید و عجالتاً به بن بست مواجه گردید. مضمون این سازش هرچه باشد، ولی این مفهوم به وضاحت می تواند از آن مستفاد شود که: امپریالیسم جهت تحقق اهداف شوم استعماری خود می خواهد با عقب مانده ترین نمایندگان فئودالیسم نیز سازش و معامله کند. و این به نوبه خود مشت محکمی است بر دهان کسانی که به ما ارشاد می فرمودند که: "امپریالیسم امریکا برای زدن فئودالیسم به افغانستان آمده است!"

تبعات اشغال نظامی افغانستان برای امپریالیست های جنایت گستر امریکا و ناتو و «زخم خون چکان» درد ناک و درمان ناپذیر افغانستان برای آنان، امپریالیسم امریکا را ناگزیر می سازد که پیش از خروج نیرو های اشغالگر ناتو (در سال ۲۰۱۴) از افغانستان، در عقد و توشیح پیمان ستراتیژیک ننگین (زمینه رسمیت بخشیدن به استقرار پایگاه های نظامی و اشغال دایمی افغانستان) عجله نماید.

خائن ملی مشهور، داکتر رنگین سپنتا در اظهارات اخیر خود به پارلمان پوشالی اداره مستعمراتی با بی شرمی و بی حیائی تمام - از موضع یک برده بی وجدان - این پیمان ننگین را به نفع افغانستان خواند . او با این استدلال عوام فریبانه که گویا با استقرار این پایگاه ها جلو مداخله های همسایگان گرفته می شود ، به چشم مردم ما خاک پاشید.

شکست مفتحضانه دیروزی سوسیال امپریالیسم شوروی و خروج شرمسارانه ارتش اشغالگر آن و شکست مفتضحانه و "خروج امروزی نیرو های ناتو" از افغانستان، یکبار دیگر درس انتباه و عبرتی است برای هر اشغالگری که آرزوی خام به زیر سیطره کشیدن کشور و مردم آزاده، غیور و سلحشور ما را در سر داشته باشد.

چه در صورت تداوم حالت اشغالی کنونی و یا در ختم آن، در حالت نیمه مستعمراتی کشور؛ مبارزه نیرو های انقلابی در راه ایجاد و متشکل ساختن گردان پیشاهنگ انقلابی و بسیج توده ئی برای امر نجات و رهائی مردم از چنگال امپریالیسم و ارتجاع و اعمار یک افغانستان نوین، وارسته و متکامل به سوی افق های روشن فردا، کماکان در دستور روز قرار داشته و باید در راه تحقق این مأمول رزمید. این یگانه راه رستگاری مردم است!

ننگ و نفرین بر سوسیال امپریالیسم روس

و کودتاگران میهن فروش "خلقی - پرچی" باد!

مرگ بر امپر یالیسم و ارتجاع!

عقیم ساختن دسائس استعماری - ارتجاعی کار انقلابیون و مردم آگاه و متحد کشور است!

یا مرگ یا آزادی!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما - ادامه دهندگان)

۰۷ ثور ۱۳۹۱ شمسی